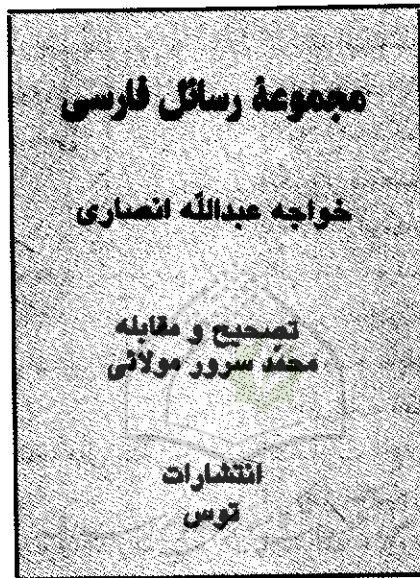


سخنان دلاویز

ابراهیم قیصری



مجموعه 'رسائل فارسی خواجه عبدالله انصاری،
تصحیح و مقابله محمد سرور مولائی، انتشارات توس،
۲ مجلد، وزیری.

اخیراً آقای دکتر محمد سرور مولائی از محققان فاضل افغانی مقیم ایران، مجموعه رسائل فارسی خواجه عبدالله انصاری را براساس سه نسخه معتبر تصحیح فرموده اند و انتشارات توس آن را در دو مجلد با چاپ برازنده به دستداران ادب و عرفان عرضه داشته است. جا دارد همین جا به مصحح و ناشر دست مریزاد گفت. البته لازم به یادآوری است که پیش از انتشار کتاب حاضر، رسائل جامع خواجه عبدالله انصاری تصحیح مرحوم وحید دستگردی، مجموعه رسائل دیگری به اهتمام آقای محمد شیروانی، سخنان پیر هرات به کوشش دکتر محمد جواد شریعت، رساله صد میدان به همت دکتر قاسم انصاری (در ایران) و مرحوم عبدالحی حبیبی (در کابل) و چند مناجات نامه طبع و منتشر شده است.

برخی از بزرگان صوفیه پس از سال‌ها کوشش و تحمل رنج‌ها در راه کسب معرفت و علم آموزی در راه شناخت حق، سرانجام به این نتیجه رسیده‌اند که:

دفتر صوفی سواد و حرف نیست

جز دل اسپید همچون برف نیست

بنابراین، دفترها را شکسته، قلم‌ها را شکسته و قدم در راه سیر و سلوک باطنی نهاده‌اند. گروه دیگر دست در کار و دل بایار داشته‌اند؛ یعنی هم صاحب قلم بوده‌اند و هم صاحب قدم. سنایی، عطار، مولوی و خواجه عبدالله انصاری از مشایخ این گروه‌اند که میراث اندیشه آنان به عنوان ارزنده‌ترین یادگارهای عواطف و فرهنگ بشری، در دفترهای ماندگار ثبت است. از آن جمله است آثار مکتوب پیر هرات.

خواجه عبدالله و آثار عرفانی او مستغنی از تعریف است. مصحح محترم «مجموعه رسائل فارسی» هم که سال‌ها پیش از این کار، با تصحیح ابتکاری و دقت انتقادی «طبقات الصوفیه» و نگارش مقالات شیوا در نشریات ادبی کشور ما - که وطن علمی و فرهنگی خود آن برادر نیز هست - برای جامعه ادبی و دانشگاهی چهره‌ای ناآشنا نیست. ایضاً اهل کتاب و تحقیق، انتشارات پرکار توس را که سال‌هاست با طبع و نشر کتاب‌های معتبر درجه اول از متون کهن و ادبیات معاصر، به عالم علم و ادب مشتاقانه خدمت می‌کند، نیک می‌شناسند.

مصحح، این مجموعه را بر اساس مقابله سه نسخه کهن - که مشخصات آنها در مقدمه کتاب آمده - با کمال دقت تصحیح کرده و فهرس هفتگانه لازم و مفیدی با عنوان‌های زیرین بر آن افزوده‌اند: فهرست اشعار فارسی؛ آیات و پاره‌های قرآن کریم؛ احادیث و روایات، کلمات قصار؛ اصطلاحات؛ اشخاص و اقوال و نام‌های لغات و ترکیبات.

در مقدمه مفصل و پر مطلب دو بیست و نه صفحه‌ای - که خود در حکم کتابی مستقل به حساب می‌آید - آقای دکتر مولایی پس از شناساندن نسخه‌های سه‌گانه متن و نسخه‌شناسی کلی آثار پیر هرات، به بحث درباره سبک و شیوه نگارش و محتوای رسائل می‌پردازد و برای اینکه خواننده در این مقدمه پر حجم، سردرگم نشود، مطالب را بهره‌بره کرده و برای هر مطلبی عنوانی قائل شده‌اند بدین قرار:

۱. سجع مناجات‌ها ۲. سجع شطح‌ها ۳. سجع کلمات قصار، پند و حکمت ۴. سجع با آیات و احادیث و کلمات عربی ۵. سجع وصف‌ها ۶. کاربرد شعر در نثر مسجع ۷. سجع و حکایات.

بعضی از این مباحث دارای عنوان‌های فرعی است. مثلاً در سجع وصف‌ها، و صف تقسیم شده به مدح و ذم (وصف درویشان حقیقی و مجازی)، و صف طبیعت، و صف‌های دیگر. در نمونه‌ای که از وصف طبیعت می‌آوریم، چنان است که گویی تشبیب و تغزل یک قصیده بهاریه را می‌خوانیم:

«به گلزاری رسیدیم / و سبزه زاری دیدیم / که نموداری بود از بهشت / خاک او عنبر سرشت / میدان او رفته / گل‌های او بناز شکفته / جانوران او زیبا / صحن او همه دیبا / درختان او بلند / هوای او بی‌گزند / جویبار او پرآب / شبنم او گلاب / بر سر هر شاخی بلبل / بر هر درختی غلغلی / بید خنجر کشیده که سرافرازم / غنچه پیکان تیز کرده که تیراندازم / چنار در تمنای پیام ابر قدم قیام / پنجه دعا باز کرده / و عزم جزم راز کرده / بنفشه چون تاییان بگرفته / و سر خجالت پیش انداخته / نرگس

چون مرید مراد از دست داده / دست عجز بر سر نهاده / شکوفه از ذوق وزیدن نسیم / جوانمردی نموده به سیم / گل سرخ از برای حاضران / و تماشای ناظران / بر گلبن تازه / رخ داده غازه / نیلوفر چون اهل کرامات / در اظهار مقامات / دل ازین خاکدان برکنده / و سجاده بر آب افکنده ...»

در عنوان «سجع و حکایات» به قرینه شباهت نثر مسجع گلستان و مقامه نویسی سعدی با سبک رسائل پیر هرات، می‌نویسد:

«قطع نظر از تفاوت‌هایی که میان آثار فارسی پیر هرات و گلستان سعدی وجود دارد، آن دو از جهت مشابهت‌های فراوانی که دارند بیشتر از نویسندگان دیگر که مقدم بر سعدی بوده‌اند، قابل مقایسه‌اند. مهم‌ترین وجه مشترک خواجه و سعدی، توانایی این دو تن است بر شعر که مناسب با معانی و در پسوند با نثر، اشعار خویش را در بافت سخن درج کرده‌اند. در آثار هر دو تن برخلاف نویسندگان نثر فنی و مقامه‌نویسان، استفاده از لغات و کلمات و ترکیبات فارسی و حفظ قوت معنی در عین زیبایی و آراستگی لفظ و رعایت طلاقت و روانی، مورد توجه قرار گرفته است و لغات و ترکیبات عربی در آثار هر دو تن همان لغات و ترکیباتی است که در نثر ساده و مرسل فارسی رایج بوده است و از شواذ و نوادر عربی در آنها خبری نیست.»

علاوه بر این نکته، سعدی در نگارش مطالب «باب هشتم گلستان» تحت تأثیر حکمت گفتن خواجه عبدالله انصاری است و با آنکه مضامین حکمت و موعظه در این باب و آثار پیر هرات متفاوت می‌نماید، شیوه نویسندگی یکسان است. عبارات زیرین هم نشان می‌دهد که شیخ شیراز تا چه حد از کلام پیر هرات تأثیر پذیرفته است:

تائیک نیندیشی مگوی (مجموعه رسائل فارسی، ص ۵۰۵) / اول اندیشه وانگهی گفتار + مزنی تأمل به گفتار دم (گلستان، ص ۵۶)

از هیچ دشمن اگر چه حقیر بود ایمن مباش (مجموعه ...، ص ۶۹۹) / دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد (گلستان، ص ۶۲)

قسمتی کرد به علم ازل از پیش از خویش، چند بویی که پیش باشد یا بیش. آنچه قسمت کرد ز یک ذره بیش باشد و نه یک

لحظ بیش (مجموعه ... ، ص ۱۹۰) / دو چیز محال عقل است : خوردن بیش از رزق مقسوم و مردن پیش از وقت معلوم (گلستان، ص ۱۸۲).

خدای تعالی می بیند و می پوشد و همسایه نمی بیند و می خروشد (مجموعه ... ، ص ۵۲۹، ۶۷۳، ۴۵۲) / خداوند تعالی می بیند و می پوشد و همسایه نمی بیند و می خروشد. (گلستان، ص ۱۸۸).

قسمت دوم مقدمه مصحح به بررسی ساختمان و محتوای رسائل اختصاص دارد. این بحث با معرفی مشروح رساله «چهل و دو فصل» آغاز می شود و به رساله «برگزیده هایی از طبقات الصوفیه» پایان می گیرد. بزرگ ترین و پر حجم ترین این رسالات، رساله «چهل و دو فصل» در ۲۵۲ صفحه و کوچک ترین آنها رساله «من مقولاته رضی الله عنه» در سه صفحه است.

حضرت مولایی، به تکرار جملات و مضامین واحد در بعضی رسالات پیر هرات اشاره کرده اند. به نظر بنده که این گونه موارد تکرار را استقصا و مشخص کرده ام، اگر مکررات را - که گاه به هشت بار می رسد - از رسالات کوچک برگیریم، کمیت رسائل به نصف تقلیل می یابد. در اینجا سخنان دلاویز آن پیر سوخته دل صاحب درد را که قند مکرر است، نقل می کنیم:

* اگر بیایی در باز است و اگر نیایی حق بی نیاز است. (رساله ذکر، ص ۴۱۶، من مناجاته و فوائده، ص ۴۳۷، واردات، ص ۴۵۳، رساله بی نام، ص ۴۸۳ و ۴۹۱، پرده حجاب، ص ۵۲۹، الهی نامه، ص ۶۶۰، از مجموعه ۷۸۸ هجری، ص ۶۸۹).

* الهی! اگر ابلیس بدآموزی کرد، گندم آدم را که روزی کرد؟ اگر آدم گندم نخوردی یکی از ما به هم وانخوردی. (رساله ذکر، ص ۴۱۸، واردات، ص ۴۵۰، رساله بی نام، ص ۴۸۸، پرده حجاب، ص ۵۲۵، الهی نامه، ص ۶۴۷، از مجموعه ۷۸۸ هجری، ص ۶۸۱، فوائده، ص ۶۹۵).

* دی رفت و باز نیامد فردا را اعتماد نشاید، این دم را غنیمت دار که دیر نیاید.

دی آمدم وز من نیامد کاری

امروز ز من گرم نشد بازاری

فردا بروی بی خبر از اسراری

ناآمده به بدی ازین بسیاری

(واردات، ص ۴۴۷، من مقالاته فی الموعظه، ص ۴۶۵،

رساله بی نام، ص ۴۷۸، پرده حجاب، ص ۵۲۷، الهی نامه،

ص ۶۴۸).

و این، همان مضمون معروفی است که خیام و سعدی هم به شعر درآورده اند: خیام می گوید:

از دی که گذشت هیچ ازو یاد مکن

فردا که نیامده ست فریاد مکن

بر نامده و گذشته بنیاد مکن

حالی خوش باش و عمر بر باد مکن

و سعدی می گوید:

سعدیا دی رفت و فردا همچنان معلوم نیست

در میان این و آن فرصت شمار امروز را

* آه! از تفاوت این راه، دو پاره آهن از یک گاه، یکی نعل

ستوران و دیگر آینه شاه. (من مناجاته و فوائده، ص ۴۳۷،

واردات، ص ۴۵۳، رساله بی نام، ص ۴۸۳، پرده حجاب،

ص ۵۳۱، الهی نامه، ص ۶۶۰، از مجموعه ۷۸۸ هجری،

ص ۶۹۰).

* نه در رنگ و پوست نگر در پسند / نقد دوست نگر. (من

مناجاته و فوائده، ص ۴۳۴، واردات، ص ۴۵۳، رساله بی نام،

ص ۴۸۹، پرده حجاب، ص ۵۳۱، الهی نامه، ص ۶۶۶).

* اگر همه عالم باد گیرد چراغ مقبل نمیرد. گر همه

عالم آب گیرد داغ مُدبِر نشوید. (رساله ذکر، ص ۴۱۶، من

مناجاته و فوائده، ص ۴۳۴، رساله بی نام، ص ۴۸۲،

الهی نامه، ص ۶۵۸، پرده حجاب، ص ۵۲۵، این سخن

یکبار هم به این صورت آمده است: اگر از عرش تائری باد

شود چراغ شایسته نتواند کشت و اگر از عرش تائری آب شود

داغ ناشسته [ظ: ناشایسته] نتواند شست. پرده حجاب،

ص ۵۳۱.

* نفس بت است و قبول خلق زنار و حقیقت با تو بگفتم به

یکبار. (رساله ذکر، ص ۴۲۰، واردات، ص ۴۴۷، پرده

حجاب، ص ۵۱۸، الهی نامه، ص ۶۴۷، مجموعه ۷۸۸

هجری، ص ۶۸۴).

* قصه دوستی دانی چرا دراز است، از آن که دوست بی نیاز

است. (چهل و دو فصل، ص ۱۷۱، رساله سؤال دل از جان،

ص ۳۸۹، رساله ذکر، ص ۴۲۱، پرده حجاب، ص ۵۳۳،

الهی نامه ۶۴۹).

* گلهای بهشت در پای عارفان خارست. آن کس که تورا

جست با بهشتش چه کار است. (واردات، ص ۴۵۶، رساله

...

کاشکی! (من مناجاته و فوائد، ص ۴۳۷)؛ جوانمرد چون دریاست و بخیل چون جوی، پس در از دریا جوی، نه از جوی. (پرده حجاب، ص ۵۳۳)؛ اگر بر هوا پری مگس باشی و اگر بر آب روی خسی باشی، دلی به دست آر تا کسی باشد (واردات، ص ۴۵۴).

خوشبختانه این متن شریف عرفانی همان گونه که دقیق تصحیح شده چاپ آن هم با دقت صورت گرفته مگر در این یکی دو مورد جزئی:

۱. کلمه «هزل» اشتبهاً «هذل» چاپ شده (ص ۱۲۶).
 ۲. کلمه «الهی» را همه جا «آلهی» چاپ کرده اند که درست نیست. و اما اعداد ارجاع به صفحات کتاب در فهرست های هفتگانه اکثراً دقیق نیست و دو سه صفحه با متن اختلاف دارد که امید است در چاپ بعدی، اصلاح شود. نمونه اشتباهات: در راه خدا دو کعبه آمد منزل. صفحات فهرست ۴۷۵، ۵۲۶. صفحات متن ۴۷۷، ۵۲۹. و یُسْتَرُّهُم بِرَحْمَةٍ وَرِضْوَانٍ. در صفحه ۴۳۴ - که در فهرست قید شده - چنین آیه ای نیامده است و صفحه بعدی هم ۵۶۳ است. یا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ. صفحات فهرست: ۵۵۹، ۵۶۱. در صفحات ۵۵۹، آیه نیست بلکه ۸ بیت شعر است. مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَ اللَّهُ وَمَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَهُ اللَّهُ صفحه فهرست: ۱۳۳. صفحه متن: ۱۳۵. حَبَّ الْعَرَبِ مِنَ الْإِيمَانِ! صفحه فهرست ۵۶۰. صفحه متن: چنین جمله ای را ندارد. صبر ایوبی. صفحات فهرست: ۱۸۶، ۲۴۵، ۱۶۰. در صفحات متن چنین موضوعی نیامده است ...
- با آرزوی توفیقات بیشتر برای مصحح و ناشر، این مقال را با نقل سخنانی از پیر عارفان به پایان می بریم و کام جان را شیرین می سازیم. «در ظاهر کعبه ای بنا کرد که آب و گل است. در باطن نیز کعبه ای بنا کرد که جان و دل است. آن کعبه احجار است، این کعبه اسرار است. آن کعبه اصناف خلایق است و این کعبه عطای قسمت خالق است. آن کعبه بنای ابراهیم خلیل است، و این کعبه بنای رب جلیل است. آنجا چاه زمزم است، اینجا ماتم دمام است. آنجا مروه و صفاست، اینجا مروت و صفاست. آنجا عرفان است، اینجا محل صفات است. چنانکه مصطفی - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - آن کعبه را از بتان پاک کرد تو نیز این کعبه را از اصنام هوا و هوس پاک کن.»

بی نام، ص ۴۸۰، مجموعه ۷۸۸ هجری، ص ۶۸۴، پرده حجاب، ص ۵۱۵، الهی نامه، ص ۶۵۲.

* از خواجه سؤال کردند که در حق دنیا چه گویی؟ گفت: چه گویم در حق چیزی که به رنج به دست آرند و به بیم نگاه دارند و به حسرت گذارند. (رساله ذکر، ص ۴۱۸، واردات، ص ۴۵۲، رساله بی نام، ص ۴۸۲، الهی نامه، ص ۶۴۶).

برخی از جمله های رسائل، موزون افتاده است آن چنان که می توان هر کدام را یک مصراع به حساب آورد:

- هر چه به زبان آمد حقاً به زبان آمد (رساله ذکر، ص ۴۲۰).

- والذین جاهدوا در قرآن است، قلم رفته را چه درمانست (و من مناجاته و فوائد، ص ۴۳۷).

- حقاً که چنین است؛ و الله که چنانست (مقدمه، پنجاه و هفت).

- عکس خورشید در جهان فاش است (الهی نامه، ص ۶۵۰)

- گندم آدم را که روزی کرد؟ (رساله ذکر، ص ۴۱۸)

- الهی! سگ را بار است و سنگ را دیدار است، گر من ز سگ و سنگ کم آیم عارست (چهل و دو فصل، ص ۵۴).

سخنان پیر هرات و مواعظ حکمت آمیزش همه دلنشین و عبرت آموز است و بسیاری از آنها به سبب گیرایی، ایجاز و لطف سخن، می توان ضرب المثل باشد. مثل این عبارات:

همسفر دیگر است و همسفره دیگر (چهل و دو فصل، ص ۱۰۵)؛ جوینده گوینده است و یابنده خاموش (رساله کلمات، ص ۵۰۹)؛ جز راست نباید گفت، اما هر راست نباید گفت. (رساله ذکر، ص ۴۲۲)؛ دوست را از در بیرون کنند اما از دل بیرون نکنند. (پرده حجاب، ص ۵۲۹)؛ در کودکی بازی، در جوانی مستی، در پیری سستی، پس کی خداپرستی؟ (پرده حجاب، ص ۵۳۰)؛ چاشت خور بر دشمن، پیش از آن که او بر تو شام خورد. (چهل و دو فصل، ص ۱۷۸). این کلام در قابوسنامه هم هست؛ در خانه اگر کس است، یک حرف بس است (واردات، ص ۴۵۱)؛ چون یار اهل است، کار سهل است (رساله بی نام، ص ۴۷۹)؛ بر گذشته و شکسته و ریخته افسوس مخور (فوائد، ص ۷۰۱)؛ دوستی او را شاید که در خشم بر تو ببخشاید (پرده حجاب، ص ۵۳۳)؛ خرقه با دل پراکنده چون تخمی بود بر سنگی افکنده (پرده حجاب، ص ۵۳۲)؛ امروز بکوش تا فردا نگویی